



امام امیرالمومنین (ع) هنگام اعزام محمد بن حنفیه به جبهه جنگ چه فرمودند؟

حضرت امیرالمومنین (ع) هنگام اعزام رزمندگان به جبهه خطبه ۱۱ نهج البلاغه را ایراد فرمودند.

حضرت امیرالمومنین (ع) هنگام اعزام رزمندگان به جبهه خطبه ۱۱ نهج البلاغه را ایراد فرمودند.

به گزارش خبرنگار مهر، نوگرایی در دنیای اسلام در همه جوانب زندگی مسلمانان بروز کرد. از جلوه های بروز آن می توان به توجه جدی نسبت به منابع اسلامی و نگاهی نو به این منابع و اصولاً نهضت بازگشت به میانی غنی اسلامی اشاره کرد. کتاب نهج البلاغه که گردآوری بخشی از سخنان و مکاتبات امیرمؤمنان علی (ع) است، به دلیل داشتن مفاهیم و موضوعات، سیاسی منبعی برای حکمت اصول سیاسی اسلام است که توجه همگان را جلب کرده است. میرزای شیرازی و محمد عبده از پیشگامان توجه به نهج البلاغه هستند. در انقلاب مشروطه نهج البلاغه نقش جدی داشت و این نقش برجسته نهج البلاغه را به وضوح می توان در کتاب مهم تنبیه الامه و تنزیه المله آیت الله نائینی مشاهده کرد. آیت الله مرتضی مطهری در کتاب نهضت های اسلامی در صدسال اخیر در خصوص تأثیر نهج البلاغه بر کتاب میرزای نائینی می گوید: انصاف این است که تفسیر دقیقی، از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچکس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، میرزا محمدحسین نائینی توأم با استدلال ها و استشهدای متقن، از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی قیمت تنبیه الامه و تنزیه المله بیان نکرده است.

خطبه ۱۱ نهج البلاغه

و من کلام له (علیه السلام) لابنه محمد ابن الحنفیه لما أعطاه الراية يوم الجمل:

تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُ، عَصَّ عَلَى نَاجِيكَ، أَعِزَّ اللَّهُ جُمُوعَتَكَ، يَدٌ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ، أَرْمِ يَبَصْرَكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضَّ بَصْرَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ التَّصَرُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.

سخنی از آن حضرت (ع) به پسرش، محمد بن حنفیه، هنگامی که در جنگ جمل رایت را به دست او داد:

اگر کوه ها متزلزل شوند، تو پایدار بمان. دندان ها را به هم بفشر و سرت را به عاریت به خداوند بسپار و پای ها، چونان میخ در زمین استوار کن و تا دورترین کرانه های میدان نبرد را زیر نظر گیر و صحنه های وحشت خیز را نادیده بگیر و بدان که پیروزی وعده خداوند سیحان است.

این خطبه به هنگام تسلیم رایت در جنگ جمل به جناب محمد بن حنفیه و خطاب باو ایراد شده است. در این خطبه که با عبارت «تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُ» (اگر کوه ها از جای خود حرکت کرد تو از جای خود حرکت مکن) شروع می شود چنین آمده است:

شهادت حمزة بن عبدالمطلب

حمزة بن عبدالمطلب جنگجویی سخت گستاخ بود و در جنگ توجهی به جلو و پیش روی خود نداشت. جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف روز جنگ احد به برده خود وحشی گفت: ای وای بر تو همانا علی در جنگ بدر عمویم طعیمه را، که سرور بطحاء بود، کشته است، اینک اگر امروز بتوانی او را بکشی آزادی خواهی بود و اگر محمد را بکشی آزادی و اگر حمزه را بکشی آزادی که هیچکس جز این سه تن همتای عموی من نیست. وحشی گفت: اما محمد که یارانش اطراف اویند و او را رها نمی کنند و به خود نمی بینم که بر او دست یابم. اما علی دلاوری آگاه و مواظب همه جانب است و در جنگ همه چیز را زیر نظر دارد، ولی برای تو حمزه را خواهم کشت زیرا مردی است که در جنگ جلو خود را هم نمی نگرد. وحشی در کمین حمزه ایستاد و چون حمزه برابرش رسید به همان روش که حبشی ها زوبین پرتاب می کنند به حمزه زوبین پرتاب کرد و او را کشت.

امیر المومنین علیه السلام روز جنگ جمل رایت خویش را به پسرش محمد علیهما السلام سپرد و صف ها آراسته بود، و به محمد فرمان حمله و پیشروی داد. محمد اندکی درنگ کرد. علی دوباره فرمان حمله داد. محمد گفت: ای امیر المومنین مگر این تیرها را نمی بینید که همچون قطرات باران از هر سو فرو می بارد علی علیه السلام به سینه محمد زد و فرمود: رگه ترسی از مادرت به تو رسیده است، و رایت را خود بدست گرفت و آنرا به اهتزاز درآورد و چنین فرمود: «با آن ضربه بزنی همچون ضربه زدن پدرت تا ستوده شوی. در جنگ چون آتش آن افروخته نشود خیری نیست و باید با شمشیر مشرفی و نیزه استوار کار کرد.» آنگاه علی

علیه السلام حمله کرد و مردم از پی او حمله بردند و لشکر بصره را در هم کوبید.

حجت الاسلام حمیدرضا مهدوی ارفع پژوهشگر نهج البلاغه در سلسله مطالب نهج البلاغه و درس های مقاومت با اشاره به خطبه ۱۱ نهج البلاغه توضیح داد:

اگر انسان بخواهد به حیات انسانی خود ببالد و از آن تنزل نکند باید به ویژگی های ذاتی حیات توجه داشته و آنها را از گردونه معامله هایش خارج کند.

عزت، حریت و کمال جویی اساسی ترین ویژگی های زیست انسانی حقیقی است و تنزل از هر یک از این اصول ولو به قدر ذره ای مساوی است با سقوط از مقام انسانیت و دخول در حد و محدوده حیوانیت.

باور قلبی به این حقیقت در انسان تولید صفات عملی می کند که سرآمد آن شجاعت و نترسیدن از ظالم و سلطه گر است.

کوه استقامت از ما شرمنده می شود

لذا امیرالمومنین علیه السلام هنگام اعزام رزمندگان اسلام به جنگ با سلطه جویان به آنها در قالبی بسیار حماسی و احساسی می فرماید:

تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تُزَلُّ

[فرزندم! در رویارویی با دشمن] اگر کوه ها از جای کنده شوند تو باید ثابت قدم بمانی.